

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۷۵ - ۱۰۰

حکمت و فلسفه گذاری آموزه‌های عبادی اسلام با معیار شاخصه‌های لفظی

معصومه السادات حسینی میرصفا^۱

چکیده

انسان، با دارا بودن ساحت فردی و اجتماعی، در طول زندگی خود، همواره اجتماعی بودن را بر تنهایی رجحان داده است. از آن جایی که گزینش زندگی اجتماعی اختیاری است و در حدود اختیاری بودن آن، دینی نیز هست؛ بنابراین انسان به منظور پیشبرد اهداف حیات اجتماعی خود نیازمند دین می باشد. ظهور و بروز بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی و عبادات با پشتوانه اعتقادی، در بستر اجتماع و در رابطه با زندگی اجتماعی انسان‌ها شکل می گیرد و اثرات خود را بر اجتماع و مسائل اجتماعی می گذارد.

در این مقاله نگارنده به هدف پاسخ به این سؤال که «حکمت و فلسفه گذاری آموزه‌های عبادی اسلام با معیار شاخصه‌های لفظی چگونه است؟»، با استفاده از معیار شاخصه‌های لفظی، به تبیین حکمت و اهداف آموزه‌های عبادی پرداخته است.

یافته‌های این تحقیق بعد از استخراج شاخصه‌های لفظی و آموزه‌های عبادی با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، عبارت از بیان فلسفه و حکمت این آموزه‌هاست که در قالب اهداف غایی و اهداف واسطه‌ای به رسیدن به منافع دنیوی و اخروی بیان می گردد. این پژوهش از نظر هدف، پژوهش کاربردی و از نظر جمع آوری داده‌ها، یک پژوهش کیفی است. از نظر روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی

حکمت، هدف، اولویت، آموزه‌های عبادی، شاخصه‌های لفظی.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

طرح مسأله

یکی از ابعاد بسیار اساسی و گسترده دین، بعد عبادی آن است که در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. عدم توجه مناسب به تمامی آموزه‌های عبادی اسلام و توجه صرف به جنبه دیگر دین، منجر به ظهور جریانی متمایل به غفلت و رویگردان از آموزه‌های این حوزه گردیده است. جریانی که منجر به فرجه شدن مسلمانان در ساحتی و نقص در ساحت دیگر شده است، که این عدم توازن چهره ناکارآمدی از اسلام را به منصفه ظهور گذارده است. تقویت این نگاه منجر به تعطیلی بسیاری از آموزه‌های اسلام در مواجهه با سایر سبک‌های اجتماعی در زندگی شده است.

با مروری بر آموزه‌های اسلام درمی‌یابیم که بخشی از آنها حاوی مفاهیم اعتقادی و اخلاقی هستند و از این روست که بخش دیگری از آموزه‌های اسلام نیز که دارای جنبه فقهی و عبادی هستند، به تثبیت آموزه‌های اخلاقی کمک می‌نمایند.

بنابراین راه کار بهره‌مندی از آموزه‌های اسلام، توجه به آنها می‌باشد، تا بتوان به نحو مؤثری دینداری را در متن زندگی به جریان انداخت. لذا در این مقاله با محور قرار دادن آموزه‌های عبادی، به مفاهیم اصلی و اساسی این آموزه‌ها پرداخته شده و حکمت و اهداف هر یک از آنها با معیار شاخصه‌های لفظی، مورد بررسی قرار گرفته است.

مطالعه و مرور ادبیات موضوع و پژوهش‌های پیشین و نیز گردآوری آیات قرآن کریم و روایات مرتبط با موضوع آموزه‌های عبادی اسلام و نیز بررسی و بیان شاخصه‌های لفظی، از جمله گام‌های پژوهشی در ساماندهی این مقاله می‌باشد. شایان ذکر است که با بررسی‌های انجام شده تا کنون پژوهش مستقلی با این موضوع نوشته نشده است. نوآوری این پژوهش نیز در استفاده از معیار شاخصه‌های لفظی در بیان حکمت و فلسفه گذاری آموزه‌های عبادی است.

مفاهیم

۱. هدف

در معنای لغوی هدف چنین آمده است که: «الغرض، الجمع: أهداف» (فراهیدی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۸؛ یوسف موسی و الصعیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۴)؛ به معنای «شوق و

انگیزه و جمع آن اهداف است.» و به معنای «تیر انداختن». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۹۳؛ طریحی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۱۸)

هدف، نتیجه مترتب بر فعل است؛ که ما آن را آگاهانه قصد می‌کنیم. بنابراین آموزه‌های عبادی اسلام نیز یک یا چند هدف را دنبال می‌کنند که در این مقاله اهداف غایی و واسطه‌ای، با استناد به آیات شریفه قرآن کریم و روایات پرداخته می‌شود.

۲. اولویت

واژه «اولویت» در لغت از «أولی» - (اسم تفضیل) - به معنای «الأحق به من غیره»، (فراهیدی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۷۰) و همچنین به معنای «تفوق، رجحان، برتری و افضلیت» (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۱۳۵) است. یعنی؛ اهمیت و برتری یک شی یا بیش‌تر، از میان دو یا چند شیء دیگر از «جهت شایستگی، به معنی آن چیزی که شایستگی مقدم شدن بر دیگری را دارد. (الوکیلی، ۱۴۱۶، ص ۹) است» اولویت، «برای مقارنه و مقایسه به کار برده می‌شود». (السامرائی، ۱۴۰۸، ذیل ماده) مراد از اولویت در اینجا، بیان با اهمیت‌ترین اهداف با بررسی مقایسه‌ای و برتری میان اهداف با توجه به شاخصه‌های لفظی است.

۳. آموزه‌های عبادی اسلام

آموزه به معنای تعالیم و عبادات است که برخی از آنها از جمله نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان آموزه‌های عبادی اسلام در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱. نماز

نماز، اولین حکم شرعی واجب (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۷) از سوی خداوند متعال برای جامعه اسلامی است. یکی از مهم‌ترین مواردی که نماز را به عنوان آموزه‌ای عبادی اجتماعی معرفی می‌نماید، توجه درست و عادلانه به گروه‌های مختلف اجتماعی است؛ نماز جماعت، قشربندی اجتماعی (پیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۸۱) نظیر آنچه در جامعه‌شناسی، جامعه طبقاتی و نظام کاستی می‌گویند را از بین برده و فقیر و غنی، سیاه و سفید و ... در کنار هم و در یک صف کنارهم قرار می‌گیرند و با این صفوف همبستگی (همان، ص ۴۰۰) در ابعاد مختلف حیات بشری رقم خورده و زمینه همدردی و پشتیبانی در جامعه مهیا می‌گردد.

نماز، پاسداشت حقوق اجتماعی است؛ به گونه‌ای که «اگر یک نخ غصبی در لباس تو باشد نمازت باطل است. یعنی اسلام می‌گوید من پرستشی را که در آن حقوق اجتماعی محترم نباشد را اساساً قبول ندارم». (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۹۸) نماز افزون بر کارکردهای وحدت آفرین در جامعه، مهم‌ترین ابزار تمرین اطاعت از امام است؛ و از این جهت «وحدت و اجتماع بر گرد محور دین و پیشوای دادگر در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد، حتی نماز که نماد عبادت است ترجیحاً یا لزوماً به جماعت گزارده می‌شود، چنان‌که نماز عید فطر و قربان (در عصر غیبت) و نمازهای واجب یومیّه ترجیحاً و نماز جمعه لزوماً به جماعت گزارده می‌شود». (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۲) بنابراین نماز به عنوان مظهر تشکل و نظم اجتماعی (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۶۸) در اسلام و یک دستور انضباطی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۴)

شهید مطهری می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.... یعنی می‌گوییم خدایا! من تنها نیستم، من با همه مسلمان‌های دیگر هستم. ضمناً انسان وابستگی و پیوستگی خودش به جامعه اسلامی را در حال عبادت و بندگی اعلام می‌کند». (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲)

۲-۳. روزه

روزه (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۶۴)، به عنوان آموزه‌ای وحیانی با دارا بودن وجوب فقهی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۱)، روشی مناسب برای تمرین صبوری در برابر خواهش‌ها و شهوات نفسانی است که زمینه جلوگیری از انحراف اجتماعی (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۵۰) را فراهم و زمینه پرورش و رشد جامعه را به ارمغان می‌آورد. علامه طباطبایی این آموزه را این‌گونه معرفی می‌کند که: «وقتی روزه‌دار روزه گرفت قهراً در طول رمضان در مساجد رفت و آمد خواهد کرد، و در آخر، در روز عید فطر، این اجتماع به حد کامل می‌رسد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۲۶)؛ و مسلمانان با این اجتماع، روح برادری و وحدت را در جامعه، با توجه به حال مساکین رقم خواهند زد؛ و با گسترش فرهنگ روزه-داری زمینه‌ای برای مقابله با اسراف در جامعه نمایان می‌شود؛ یعنی «روزه‌دار با تحمل گرسنگی به مبارزه با گرسنگی می‌رود و با تحمل فقر و محرومیت به مبارزه با فقر و محرومیت». (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۲) این‌گونه روزه به عنوان آموزه‌ای

اجتماعی برای نقش آفرینی و اثر گذاری در جامعه و ایجاد امنیت اجتماعی نسخه‌ای شفافبخش خواهد بود.

۳-۳. خمس

دین مبین اسلام به عنوان مجموعه‌ای از آموزه‌های وحیانی، مقررات اقتصادی خاصی را برای فراهم نمودن آسایش، رفاه و عدالت در جامعه اسلامی وضع نموده است و خمس (شریف مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۲۲۵) یکی از آنهاست. در نظام اقتصادی اسلام اغیاء امانت- داران خداوند و امکانات اقتصادی به عنوان ودایعی در اختیار آنان است؛ و پرداخت خمس به عنوان یکی از درآمدهای جاری در جامعه اسلامی مبتنی بر سرسپردگی عاطفی و رنگ- پذیری ولایی است. هدف از تشریح خمس، به عنوان یکی از منابع مالیات اسلامی، جلوگیری از اختلاف طبقاتی و وجود نقدینگی در بیت‌المال است. امام خمینی (ره) خمس چنین می گوید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقر و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است». (اسفندیاری، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷)

۳-۴. زکات

ملتی که خودخواهانه بیندیشد و به نفع فردیت عمل کند، لاجرم محکوم به نابودی است و زکات، همان دوراندیشی خداوند و همان انقلاب راستین اقتصادی در قلمرو حکومت اسلامی برای احقاق عدالت اجتماعی، جهت سامان امور اقشار آسیب‌پذیر و بقاء جامعه اسلامی برای حاکمیت توحید در پهنه گیتی می‌باشد. همان‌گونه که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «ای مردم! زکات اموال خود را پردازید» (صابری‌یزدی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۵)؛ زکات، به عنوان امری مهم برای مدیریت جامعه و جلوگیری از فساد اقتصادی و راهی مطمئن جهت رونق اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۵. حج

حج، یکی از مهم‌ترین شعائر اسلامی به منزله سفری روحانی برای ترک لذات نفسانی و شهوات جسمانی در یک مجمع عظیم سالیانه و با «سیاست درهای باز در میان کشورهای اسلامی» (اسفندیاری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰) به منظور درک معنای واقعی اسلام با تکیه بر

برادری و دوستی، اتحاد فکری و تألیف قلوب در جهان اسلام تجلی می‌یابد. یکی از شروط مهم در وجوب این فریضه، تحقق استطاعت مالی (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۰۴) و ملازم این استطاعت و غنی بودن، پرداخت تکالیف مالی خمس، زکات و رسیدگی به حال محرومان جامعه است. و با این تمهید حج، مقدمه‌ای برای دغدغه‌مند شدن انسان نسبت به فضای جامعه از بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و زمینه‌ای عملی برای تخلق به اخلاق الهی با رهایی از علقه‌ها و تسلیم در برابر خدا با محک اخلاص و عبور از منیت و خودخواهی و تکاپو برای رسیدگی به جامعه یکپارچه ایمانی و اعتقادی است. بنابراین «وقتی مکلف به زیارت خانه خدا گردید، قهراً با سایر مسلمانان یک جا جمع می‌شود، و در روز عید قربان این اجتماع به حد کامل می‌رسد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۲۶)

۳-۶. جهاد

جهاد، کارزاری واجب (صدوق، ۱۴۱۸، ص ۵) برای استقرار و حراست از عقیده توحیدی (یزدی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۳۳) به فرموده خدای تعالی است که می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. (بقره، ۱۹۳)

جهاد، نویدی است برای تحقق زندگی مردم در سایه آرامش. جهاد، آرمانی است برای تحقق وحدت در جامعه اسلامی. جهاد، رمزی است برای صلابت اسلام در برابر دشمنان توحید. جهاد، مژده‌ای است برای رسیدن به إحدی الحسینین. جهاد، مجالی است برای دفاع به امید پیروزی عدالت بر ظلم با اذن خدای تعالی که می‌فرماید:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (حج، ۳۹)

و جهاد، پیمانی است ناگسستنی و وفادارانه از سوی رزمندگان با خدا که شرافتمندانه بر سر پیمان خود جان باختند. جهاد نوعی همزیستی اجتماعی مبتنی بر تعاون (بیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۸۴) است.

۳-۷. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰)، یکی از آموزه‌های حیات-بخش و حافظ جامعه اسلامی است. این تکلیف شرعی و وظیفه اجتماعی در صورت تحقق موضوع، در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، اعتقادی، دینی و ... قابلیت اجرایی می‌یابد. از آنجایی که هر مسلمانی در تعیین سرنوشت جامعه خود نقش دارد، به پذیرش این مسئولیت اجتماعی اقدام و با نظارت بر جامعه ایمنی و سلامت آن را رصد می‌نماید و این گونه است که اثرات تقوا، وحدت، عدالت، حکمت، همدلی، مهر و محبت، امنیت، عزت و صلابت با اجرای این فریضه اجتماعی در جامعه اسلامی پدیدار می‌گردد.

شاخصه‌های لفظی گزاره‌های معطوف به هدف

گاهی برای شناخت گزاره‌های معطوف به هدف نیازمند توجه به شاخصه‌های لفظی هستیم. بنابراین بعد از بیان شاخصه‌ها که به شرح زیر می‌باشد به معرفی اهداف می‌پردازیم.

لعل

۱. لعل از جمله حروف مشبیه‌بالفعل است (السامرائی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۸۵)؛
۲. در کتابهای لغت (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۱۹۸) «لعل» به معنای «توقع» می‌باشد؛ که عبارت است از امید به رسیدن محبوب و ترس از وقوع مکروه است؛
۳. «گروهی «لعل» را بر لیت حمل می‌کنند» (سیوطی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۹۱) و «به خاطر این که هر دو در ابتدائیت تغییر ایجاد می‌کنند به این خاطر شباهت زیادی به لیت دارد و لیت برای انشاء است». (الأنصاری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۵۲۲)
۴. از دیگر معانی «لعل»، «تعلیل و استفهام می‌باشد» (الأنصاری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۵۲۵-۵۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۷۴۱؛ قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۱۹۴-۱۹۳)، از جمله معانی که برای «لعل» ذکر کرده اند، تعلیل است که اخفش و کسائی آن را برای «لعل» اثبات کرده اند و آیه شریفه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، ۴۴) را حمل بر این معنا نموده اند (الأنصاری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۵۲۵) و از حیث تعلیل، هدف است.
۵. همچنین «لعل» را به معنای «کی» آورده اند. راغب می‌گوید: «این واژه از سوی

خدای تعالی به گونه واجب و در بسیاری از مواضع «لعل» را به «کی» تفسیر کرده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۷۴۱؛ قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۱۹۳) همان گونه که در لسان العرب آمده است: «قد جاءت في القرآن بمعنى كي» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۶۰۷) بنابراین «کی» یکی از حروف جاره و به معنای تعلیل و هدف است (السامرائی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶۳)

حتی

۱. حروف غایت و همچنین از حروف جر است (السامرائی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۴)؛
 ۲. اگر بر سر فعل مضارع منصوب به «أن» مقدره داخل شود، به معنای انتهای غایت است که در این صورت مترادف با حرف إلی می‌باشد. (سیوطی، ۱۹۹۶، ص ۳۷۲) مانند این آیه شریفه که حکایت قوم بنی اسرائیل است: «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»؛ گفتند: ما همواره بر پرستیدن گوساله باقی می‌مانیم تا موسی به سوی ما باز گردد. (طه، ۹۱)

۲. همچنین به معنای تعلیل که در این صورت مترادف با «کی» تعلیلیه می‌باشد. (سیوطی، ۱۹۹۶، ص ۳۷۲) مانند این آیه شریفه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزُدَّوَكُمْ، عَنْ دِينِكُمْ إِنْ أَسْتَطَاعُوا؛ و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا این که اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند». (بقره، ۲۱۷)
 بنابراین در جمله‌ای که حاوی حرف «حتی» باشد، با این شرایط معطوف به هدف خواهد بود.

لام

۱. حرف لام اگر بر سر فعل مضارع وارد شود آن را منصوب می‌کند. (السامرائی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۸)
 ۲. از جمله معانی حرف لام، تعلیل و هدف است و روشن است که از آن چه که لام بر آن وارد می‌شود، افاده تعلیل می‌گردد؛ و به عبارت دیگر برای رسیدن به هدف (همان، ۶۵) و برای بیان عاقبت (همان، ۱۶۳) است.

اِنَّ

۱. «اِنَّ» از جمله حروف مشبیه بالفعل است (همان، ج ۱، ص ۲۸۵)؛
۲. هر جمله ای که «اِنَّ» در ابتدای آن باشد برای تعلیل و جواب سؤال مقدر به کار می‌رود. (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۰۴)

نشانه‌های تشخیص اولویت

برخی از نشانه‌های تشخیص اولویت‌های اهداف آموزه‌های عبادی اسلام به شرح زیر است.

۱. اهم و مهم نمودن یکی از نشانه‌های اولویت است. بر اساس آیات قرآن کریم (الاعراف، ۶۵؛ المؤمنون، ۲۵-۲۳؛ هود، ۵۰؛ النمل، ۴۵) دعوت به توحید و نفی شرک از رسالت‌های همه انبیاء (علیهم‌السلام) است و آنان در هر فرصتی ضمن گفت‌وگو با قوم خود به آن می‌پرداختند؛ چرا که با پذیرش توحید واقعی، راه دستیابی به فضیلت‌های اخلاقی و عمل به واجبات و عبادات فراهم می‌گردد. بنابراین استقرار توحید و از میان بردن شرک در مقایسه با سایر اهداف، به دلیل اهمیت نسبت به سایر اهداف در اولویت قرار می‌گیرد؛ و به عنوان اولین هدف آموزه‌های عبادی معرفی شده است.

۲. تأکید یکی از نشانه‌های اولویت است. جمله اسمیه، یکی از مؤکدات است. «از آن‌جا که این نوع جمله غالباً دارای زمان خاصی نیست، دوام و ثبات بیشتری را افاده می‌کند و از این رو جمله اسمیه خود نوعی تأکید است». (نصیریان، ۱۳۹۰، ص ۵۷) سیوطی ذیل توضیح بسیاری از مثال‌ها، آن را از اسباب تأکید به حساب آورده است. (سیوطی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۷) تفتازانی در مقدمه شرح تلخیص می‌گوید: «عدول از جمله فعلیه به اسمیه، نشانه تأکید و ثبوت آن است». (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۹۱) با توجه به این که آیه شریفه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۱۴) بیانگر ساختار جمله اسمیه و متشکل از (اِنَّ و اسمها و جمله یذهب خبرها) (درویش، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۴۱) می‌باشد، بنابراین دومین هدف آموزه‌های عبادی اسلام، پاک شدن از گناهان می‌باشد.

۳. جمله اسمیه بر جمله فعلیه اولویت دارد. بنابراین سومین هدف، تحقق رستگاری و چهارمین هدف، تقوا می‌باشد؛ با عنایت به عبارت‌های قرآنی که می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ» و «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (لعل و اسمها، و الجملة تُفْلِحُونَ و تَتَّقُونَ خبرها) (درویش، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۴۵) نشان‌دهنده ساختار جمله اسمیه و بر هدف پنجم که ساختار جمله فعلیه دارد، مقدم می‌باشند.

اما با توجه به نظر مفسرین، تحقق رستگاری بر تقوا اولویت دارد. به طور مثال آلوسی صاحب تفسیر روح‌البیان بر این عقیده است که خداوند فلاح و رستگاری را در چهار چیز که عبارت است از ایمان، تقوا، فراهم نمودن وسیله برای رسیدن به ثواب اخروی و جهاد در راه خدا قرار داده است. وی در ادامه درباره تقوا و فلاح چنین می‌گوید:

«دومین چیزی که موجب فلاح و رستگاری می‌شود تقواست. تقوا منشأ اخلاق مرضیه و منع اعمال شرعی است و به وسیله تقواست که بنده از ظلمت گناهان رهایی می‌یابد.» (حقی بروسوی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۸)

در تفسیر مفاتیح الغیب نیز چنین آمده است: «تقوی الهی موجب دفع نیروهای برانگیزاننده به بدی‌ها و منکرات است، و تحقق فلاح، دلیلی بر ترجیح دادن تقوای الهی بر سایر نیروها و اخلاقیات است.» (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۴)

۴. پنجمین حکمت و هدف از اهداف و حکمت‌های آموزه‌های عبادی اسلام رسیدن به منافع دنیوی و اخروی است. در عبارت «لِشَهَادَاتِكُمْ» (اللام للتعلیل و يشهدوا فعل مضارع منصوب بأن مضمرة) (درویش، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۲۳)، دارای ساختار جمله فعلیه می‌باشد. زرکشی به نقل از کتاب «دلائل الإعجاز» عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: «تأکید به وسیله حرف «إِنَّ»؛ از تأکید به حرف لام قوی‌تر است.» (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۰۳)

حکمت‌ها و اهداف آموزه‌های عبادی اسلام

در این قسمت بعد از معرفی شاخصه‌های لفظی به منظور شناساندن حکمت‌ها و اهداف، به بیان انواع هدف می‌پردازیم که عبارت‌اند از:

۱. هدف غایی

هدف غایی، حقیقتی بی‌نهایت است که با توجه به سازگاری با فطرت و ساختار وجودی انسان از جامعیتی برخوردار است که در انسان‌انگیزی برای انجام افعال ایجاد می‌کند. خداوند متعال با قرار گرفتن در مرکز هستی و حضور همه‌جانبه در زندگی انسان،

افعال او را سمت و سو می‌بخشد. جلوه دنیوی و اخروی خداوند بر روند تلاش انسان اثرگذار است و از این روست که هر یک از آموزه‌های اعتقادی اسلام با اصول حاکم بر آن‌ها و آثار مختلفی که بر روح و زندگی انسان‌ها خواهند داشت و انگیزه انسان برای انجام آن‌ها منجر به تقرب به خداوند می‌شود. و از این روست که «قرآن کریم، کمال نهایی انسان را قرب الهی می‌داند» (مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳) و «حقیقتِ قرب به خدا، یافتن شهودیِ تعلق و ارتباط وجودی خود با خداست». (مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲)

«قرب» (ضد بُعد) در لغت به معنای «نزدیکی مادی و کنار هم قرار گرفتن دو چیز» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۶۲؛ فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۵)؛ و به عبارت دیگر «کوتاهی فاصله مکانی، زمانی یا هر فاصله‌ای میان دو چیز یا دو شخص» است. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۲۸) به طور نمونه در آیات قرآن کریم، انفاق با چهره اجتماعی خود با قرب الهی پیوند خورده است و خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»
(توبه، ۹۹)

پس «این انفاق و دعای خیر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مایه تقرب ایشان است». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۷۱) صاحب تفسیر نمونه درباره واژه «قُرْبَاتٍ» می‌گوید: «نشان می‌دهد که آنها نه یک قرب، بلکه قریبها در آن می‌جویند، و شک نیست که «قرب» و «قربت» در برابر پروردگار به معنی نزدیکی مکانی نمی‌باشد، بلکه نزدیکی مقامی، یعنی رفتن به سوی او که کمال مطلق است، و پرتوی از صفات جمال و جلالش را بر صفحه فکر و جان افکندن» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۹۹) است.

«پس مقربون بلند مرتبه‌ترین طبقات اهل سعادتند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۲۱)، هم چنان که آیه شریفه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه، ۱۰)

۲. اهداف واسطه‌ای

اهدافی هستند که به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به هدف غایی می‌باشند. اهداف واسطه‌ای، نسبت به هدف غایی وسعت کمتری را دربرمی‌گیرند و کیفیت رسیدن به هدف غایی را تعیین نموده و از به هم پیوستن آن‌ها هدف غایی محقق می‌گردد. برخی از این اهداف برای تحقق حیات طیبه و رسیدن به قرب الهی به شرح زیر می‌باشد.

۲-۱. استقرار توحید

دین مبین اسلام، توحید را پایه اصلی خداشناسی و مایه حیات واقعی انسان معرفی کرده است. توحید، آموزه‌ای بسیار تأثیرگذار بر جوامع بشری است که آموزه‌های اسلام به هدف تحقق این مهم گام برمی‌دارد. توحید برای اخلاقی شدن جامعه گامی اصلی و ریشه‌ای محسوب می‌گردد و پذیرش و استقرار آن برداشتن گام‌های بعدی خودسازی را فراهم می‌آورد.

بنابراین جهاد، به عنوان یکی از آموزه‌های عبادی اسلام، نمایشگاهی عظیم برای نشان دادن قدرت ایمان در سایه سار حرکتی جمعی است. به فرموده خدای تعالی جهاد، کارزاری است به هدف استقرار و حراست از عقیده توحیدی؛ آنجا که می‌فرماید:

«و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»؛ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (بقره، ۱۹۳)

همان‌گونه که اشاره نمودیم یکی از راههای تشخیص هدف، وجود واژه «حتی» بر سر فعل مضارع است که در آیه بالا «حَتَّى لَا تَكُونَ» این امر محقق شده است. (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۲) در تفسیر نمونه در خصوص معرفی توحید به عنوان هدف چنین آمده است:

«سه هدف برای جهاد در این آیه ذکر شده، از میان بردن فتنه‌ها، و محو شرک و بت پرستی، و جلوگیری از ظلم و ستم. این احتمال وجود دارد که منظور از فتنه همان شرک بوده باشد، بنابراین هدف اول و دوم در هم ادغام می‌شود...به این ترتیب، هر سه هدف، به

یک هدف باز می‌گردد، و آن مبارزه با شرک و بت پرستی که سرچشمه انواع فتنه‌ها و مظالم و ستم‌هاست. بعضی نیز ظلم را در این آیه به معنی آغازگر جنگ بودن دانسته‌اند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۴)

۲-۲. پاک شدن از گناهان

صفا و پاکی دل، گوهری گرانبه‌است که اگر ارج نهاده نشود به تیرگی رذایل اخلاقی ملوث می‌شود. نسخه شفابخش برای سلامتی این روح رنجور شده از بیماری، استشمام ترنم روح‌بخش بندگی، به واسطه انجام کارهای نیکی است که نوید آزادی از بند تاریکی‌ها را برای انسان به ارمغان می‌آورد و سبب آرزوش گناهان می‌گردد. همان‌گونه که در آیه شریفه می‌فرماید:

«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند. (هود، ۱۱۴)

دعاس درباره «إِنَّ الْحَسَنَاتِ» می‌گوید: «إِنْ وَ اسْمَهَا الْمَنْصُوبَ بِالْكَسْرِ لِأَنَّهُ جَمْعُ مَوْثٍ سَالِمٍ وَ الْجُمْلَةُ تَعْلِيلِيَّةٌ لَا مَحَلَّ لَهَا». (دعاس و حمیدان و قاسم، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۷۵) و تعلیل نشانی از هدف است.

در میزان در مورد این هدف اخلاقی آمده است: «جمله «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» امر «أَقِمِ الصَّلَاةَ» را تعلیل نموده، و بیان می‌کند که نمازها حسناتی است که در دل‌های مؤمنین وارد شده و آثار معصیت و تیرگی‌هایی که دل‌هایشان از ناحیه سیئات کسب کرده اند را از بین می‌برد». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۵۸)

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»؛ و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد. (عنکبوت، ۴۵)

و «طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۴) و به این ترتیب «اثر خنثی‌کننده گناه را در طاعات و اعمال نیک تثبیت می‌کند». (همان، ج ۹، ص ۲۶۷)

حضرت امام رضا (علیه‌السلام) یکی دیگر از آموزه‌های عبادی را برای این هدف معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

«إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا... فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِصُ ذُنُوبَكُمْ وَ مَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمٍ فَآفَتِكُمْ». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۷)؛

و به راستی، خمس کمک ماست بر دین ما... زیرا پرداخت خمس، کلید روزی شماست و مایه پاک شدن گناهان تان و چیزی است که برای روز بیچارگی خود آماده می‌کنید.

خداوند متعال در آیات قرآن کریم، زکات را برای این هدف بیان می‌دارد. در این آیات به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور می‌دهد که:

«حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا». (توبه، ۱۰۳)؛

در خصوص فلسفه اخلاقی، روانی و اجتماعی زکات و نکات اخلاقی و اجتماعی که چگونه پاکی حاصل از پرداخت زکات بر جامعه مؤثر است چنین آمده است که:

آنها را از رذائل اخلاقی، از دنیا پرستی و بخل و امساک پاک می‌کنی، و نهال نوع دوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آنها پرورش می‌دهی. از این گذشته، مفاسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید با انجام این فریضه الهی برمی‌چینی، و صحنه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازی. و نیز همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه‌ها تأمین می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۱۸-۱۱۷)

از دیاد ثروت نیز زمینه ساز فساد برای ثروتمندان است؛ و زکات، راهی برای مهارسازی فساد اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و... در میان ثروتمندان و فقرا می‌باشد. همان‌گونه که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«وَمَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ طَهَّرَ مِنْ ذُنُوبِهِ» (مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۰۹)؛

و هر که زکات مالش را بدهد از گناهانش پاک شود.

همچنین روزه به عنوان یکی از آموزه‌های عبادی که جنبه اجتماعی نیز دارد، همان تمرین استقامتی نفس و تقویت اراده در برابر طغیان نفس است. حضرت علی (علیه‌السلام)

در این باره فرموده‌اند:

«وَالصَّيَّامُ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ كَمَا يَمْتَنِعُ الرَّجُلُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ». (همان، ج ۶۸، ص ۲۳۳)؛

روزه یعنی دوری کردن از محرّمات همان گونه که مردی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها خودداری می‌کند.

بنابراین روزه، بسان سپری محافظ، در برابر جنگ خواهش‌های نفسانی می‌باشد؛ که اگر به درستی میان انسان و تمایلاتِ حیثیت بر انسان قرار گیرد، با نقش حفاظتی خود، زبانه آتش را از انسان دور می‌نماید.

۲-۳. تحقق رستگاری

ابن منظور در معنای فلاح چنین می‌گوید: «الْفَلَاحُ وَالْفَلَاحُ: الْفَوْزُ وَالنَّجَاةُ وَالْبَقَاءُ فِي النِّعَمِ وَالْخَيْرِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۴۷)؛ «فلاح، رستگاری و نجات و بقای در نعمت و خیر است». اَفْلَحَ از ماده فَلَاح و فَلَاح در اصل به معنای شکافتن و بریدن است. سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوش‌بختی اطلاق می‌شود. (راغب‌اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۴۴)

خداوند متعال در آیات شریفه قرآن کریم درباره ارتباط تحقق رستگاری با آموزه اجتماعی این گونه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود به جا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید! (حج، ۷۷)

برای یافتن هدف در آیه فوق به واژه «لَعَلَّ» در عبارت «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» توجه شده است. در تفسیری «لَعَلَّ» را به معنای «کی» در نظر گرفته و این گونه «لَعَلَّ» بیانگر هدف است. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای لکی تفلحوا و تسعدوا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۴)؛ و همین‌طور در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، «لَعَلَّ» را با این بیان به عنوان هدف مطرح می‌نماید، «أَيُّ افْعَلُوا الْخَيْرَ لِكِي تَفُوزُوا بِثَوَابِ الْجَنَّةِ وَتَخْلُصُوا مِنْ عَذَابِ النَّارِ». (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۴۳)

علامه طباطبایی می‌نویسد:

امر به رکوع و سجود در این آیه امر به نماز است و مقتضای اینکه رکوع و سجود را در مقابل عبادت قرار داده این است که مراد از جمله «اعْبُدُوا رَبَّكُمْ» امر به سایر عبادات تشریح شده در دین به غیر نماز باشد، مانند حج و روزه؛ باقی می‌ماند جمله آخری که فرمود: «وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ» که مراد از آن سایر احکام و قوانین تشریح شده در دین خواهد بود، چون در عمل کردن به آن قوانین خیر جامعه و سعادت افراد و حیات ایشان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۴۱۱)

دستور به انجام عبادت از طریق این آموزه اجتماعی هنگامی که شخص مقدمات نماز را آماده نموده و خود را زودتر از موعد مقرر به مسجد می‌رساند و به انتظار می‌نشیند تا زمان اقامه نماز به جماعت فرا رسد، نشان از علاقه و محبت وافر او برای حضور در این جمع ایمانی و تحقق هدف مذکور است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«یا ابا ذر، آیا می‌دانی این آیه که می‌فرماید: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۲۰۰)؛ درباره چه چیز نازل شده است؟

گفتم: نه، پدر و مادرم فدایت باد، فرمود: این آیه در مورد بعد از هر نماز منتظر وقت نماز آینده بودن، نازل شده است». (خراسانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۹)

با بررسی تفاسیر ذیل آیه فوق و در مورد عبارت «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ معنای «کی» برای بیان تعلیل و اشاره به هدف مورد توجه قرار گرفته است. در تفسیری آمده است که: «معناه اتَّقُوا ان تَخالفوه فیما یأمرکم به لکی تفلحوا [و تفوزوا]» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۹۵)؛ و همچنین در برخی از تفاسیر دیگر نیز آمده است: «لکی تفلحوا غایة الفلاح» (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۸)؛ «أی لکی تفلحوا، و هی واجبة لمن فعل» (هواری، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۱۲) و «لکی تظفروا و تفوزوا بنیل المنیة». (دخیل، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۱)

علامه طباطبایی نیز این آیه را معطوف به هدف می‌داند و می‌گوید:

مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد، - و اگر مرابطه نباشد گو اینکه صبر من و تو، به تنهایی و علم من و تو به تنهایی، و هر فضیلت

دیگر افراد، به تنهایی سعادت آور هست، ولی بعضی از سعادت را تأمین می‌کند و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست، - به همین جهت دنبال سه جمله: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» اضافه کرد: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، که البته منظور از این فلاح هم فلاح تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۹۲)

یکی از برنامه‌های تربیتی اسلام برای رسیدن به فلاح، دعوت به انجام فعل خیر است که در قرآن کریم به این سنت رفتاری توجه شده و خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)؛

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

در تفسیر نمونه چنین آمده است:

این اشاره در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند، و آن را از هم متلاشی می‌سازند، بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست! (مکارم- شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۴)

امام محمدباقر (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ السَّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْقَرَائِنُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (محدث عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۱۹)

همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش صالحان است. فریضه‌ای عظیم است که به وسیله آن واجبات برپا می‌شود، راه‌ها امن می‌شود، کسب‌ها حلال می‌شود، مظالم برگردانده می‌شود، زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها مستقیم (رو به راه) می‌شود.

یکی از راههای تحقق فلاح، انجام آموزه عبادی جهاد است. خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده، ۳۵)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید!

عبارت «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در تفسیری به معنای «لکي تظفروا بنعيم الأبد» (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۱) و «لکي تنجوا من العقوبة و تنالوا الثواب» (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۷) آمده است. «کی» (السامرائی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶۳) یکی از حروف جاره و به معنای تعلیل و به معنای هدف است. (همان، ج ۳، ص ۱۶۲)

در تفسیر نمونه، «الْوَسِيلَةَ» را انجام هر کار خیر و از جمله آموزه‌های اجتماعی می‌داند؛ که می‌تواند مقدمه رسیدن به هدف - که همان فلاح است - را فراهم نماید.

بنابراین وسیله در آیه فوق معنای بسیار وسیعی دارد و هر کار و یا هر چیزی که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار شود را شامل می‌گردد که مهمترین آنها ایمان به خدا و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جهاد و عباداتی همچون نماز، زکات، روزه، زیارت خانه خدا، صلح رحم و انفاق در راه خدا اعم از انفاقهای پنهانی و آشکار و همچنین هر کار نیک و خیر می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۶۴)

۲-۴. تقوا

در آیات و روایات تقوا به عنوان منیع‌ترین حصارهای دین (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۰)، و زیباترین لباس از برای مؤمن (منسوب به امام صادق (ع)، ۱۳۷۷، ص ۶۹) معرفی شده و این نشان از ارزش و اعتبار تقوا برای نیل انسان به قرب الهی است. بر اساس استراتژی اخلاقی دین مبین اسلام، قرآن کریم، کتابی برای رسیدن به تقوا معرفی شده است.

«قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (زمر، ۲۸)؛

قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه

کنند!

به هر حال، هدف از نزول قرآن با این همه اوصاف این بوده است که «شاید آنها پرهیزگاری پیشه کنند»؛ (لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۴۳).

و این گونه است که خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره،

؛(۲۱)

ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیز کار شوید.

همچنین در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا». (طلاق، ۲)؛

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

و از این روست که هر کس به خاطر خدا و ترس از او، از محرمات الهی بپرهیزد، و حدود او را نشکند، و حرمت شرایعش را هتک ننموده، به آن عمل کند «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌کند، چون شریعت او فطری است، و خدای تعالی بشر را به وسیله آن شرایع به چیزی دعوت می‌کند که فطرت خود او اقتضای آن را دارد، و حاجت فطرتش را بر می‌آورد، و سعادت دنیایی و آخرتی اش را تأمین می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۱۳)

از جمله اعمالی که موجب فراهم شدن تقوای الهی است، روزه است. روزه یکی از آموزه‌های ژرف و عمیق الهی در راستای خودسازی فردی انسان و جامعه‌سازی اخلاقی است. در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید». (بقره، ۱۸۳)؛

عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» به معنای «لکمی تَتَّقُوا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ثعلبی

نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۶۳) آمده که برای اشاره به هدف است. در تفسیر فی ظلال-

القرآن نیز تقوا را به عنوان هدف معرفی نموده و می‌گوید:

«و هكذا تبرز الغاية الكبيرة من الصوم ... إنها التقوى فهي غاية تتطلع إليها أرواحهم. و هذا الصوم أداة من أدواتها، و طريق موصل إليها. و من ثم يرفعها السياق أمام عيونهم هدفا وضيئا يتجهون إليه عن طريق الصيام .. «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»». (قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶۸)

در تفسیر نمونه چنین بیان می‌کند: «روزه عامل مؤثری است برای پرورش روح تقوا و پرهیزگاری در تمام زمینه‌ها و همه ابعاد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۴) بنابراین اگر یک مؤمن از بعد اخلاقی، رفتاری، فکری و نفسانی پاک و جانش پیراسته شود، هم‌گرایی و روح حرکت جمعی در جامعه اسلامی تقویت می‌گردد؛ و از این روی دعوت به انجام این خیر جمعی، یکی از اشتراکات انبیای عظام الهی برای دست‌یابی به هدف مذکور است.

۲-۵. رسیدن به منافع دنیوی و اخروی

برخورداری از منافع دنیوی و اخروی، به عنوان عاملی در جهت ایجاد انگیزه برای انسان به منظور انجام رفتارهای عملی مثبت و در نهایت تحقق نتیجه در راستای هدف است. قرآن کریم آموزه‌های اجتماعی را حاوی برنامه‌های انگیزشی که منجر به هدف می‌شود را این‌گونه می‌فرماید:

«لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج، ۲۸)؛

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند.

دعاس درباره اعراب عبارت «لِيَشْهَدُوا» چنین آورده است که: «الام لام التعليل و المضارع منصوب بأن المضمرة بعد لام التعليل بحذف النون» (دعاس و حمیدان و قاسم، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۰۹)؛ بنابراین لام تعلیل که بر سر فعل مضارع می‌آید و به «أن مضمرة» آن را منصوب می‌کند، دلالت بر هدف دارد.

در تفسیر المیزان این هدف را این‌گونه توضیح می‌دهد:

در این جمله «منافع» مطلق ذکر شده، و نفرموده منافع دنیایی، و یا اخروی، چون منافع دو نوع است یکی دنیوی که در همین زندگی اجتماعی دنیا سود بخشیده، و زندگی آدمی را صفا می‌دهد و حوائج گوناگون او را بر آورده، نواقص مختلف آن را بر طرف می‌سازد،

مانند تجارت، سیاست، امارت، تدبیر، و اقسام رسوم و آداب و سنن، و عادات، و انواع تعاون و یاریهای اجتماعی، و غیر آن.....؛ نوع دوم از منافع، منافع اخروی است که همان وجود انواع تقرب‌ها به سوی خداست. تقرب‌هایی که عبودیت آدمی را مجسم سازد، و اثرش در عمل و گفتار آدمی هویدا گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۶۹)

نتیجه گیری

آموزه‌های عبادی اسلام مشتمل بر مفاهیمی است که حیات اجتماعی بشر به منظور پیشبرد اهداف خود به آن نیازمند است. با بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید که آیات قرآن کریم و روایات رسیده از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، حکمت‌ها و اهداف آموزه‌های عبادی را بیان نموده‌اند. فلسفه و حکمت وجود کلمات قرآنی مانند: لعل، حتی، لام و إن به عنوان شاخصه‌های لفظی برای بیان حکمت‌ها و اهداف آموزه‌های عبادی توسط شارع مقدس است. لذا بر این اساس نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر که از جمله آموزه‌های عبادی اسلام است با در نظر گرفتن معیار شاخصه‌های لفظی دارای هدف غایی که همان قرب الهی است و نیز اهداف واسطه‌ای استقرار توحید، پاک شدن از گناهان، تحقق رستگاری، تقوا و رسیدن به منافع دنیوی و اخروی می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۲. اسفندیاری، محمد، بعد اجتماعي اسلام، قم: نشر خرم، ۱۳۷۵.
۳. الأنصاری، ابن هشام، معنی اللیب عن كتب الأعراب، تحقیق و شرح: الدكتور عبد اللطیف محمد الخطیب، کویت: التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱.
۴. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعي، مترجم: دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۶. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابو محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲.
۷. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاء، قم: اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
۸. حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
۱۱. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۱۲. خراسانی، علم الهدی، نهج الخطابة - سخنان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، تهران: کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۱۳. دخیل، علی بن محمد علی، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۲۲.
۱۴. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دار الإرشاد، چاپ چهارم، ۱۴۱۵.

۱۵. دعاس و حمیدان و قاسم، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، چاپ اول، ۱۴۲۵.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات غی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق: بیروت: دارالقلم، الدار الشامیه، الطبعة الأولى، ۱۳۷۴.
۱۸. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله، *فقه القرآن*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمه الله، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
۱۹. زرکشی، محمد بن عبد الله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۲۰. السامرائی، ابراهیم، *المعجم العربی الاساسی*، تونس: لاروس، ۱۴۰۸.
۲۱. السامرائی، فاضل صالح، *معانی النحو*، عمان: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰.
۲۲. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، *بحر العلوم*، تحقیق: ابو سعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰.
۲۳. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، *الایقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الكتاب العربی، بی تا.
۲۴. -----، *ممع الهوامع فی شرح جمع الجوامع*، تحقیق: د. عبد العالم سالم مکرم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳.
۲۵. -----، *شرح شواهد المعنی*، تصحیح و تعلیل: العلامه الشنقیطی، قم: افسست نشر ادب الحوزه، ۱۹۹۶.
۲۶. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲.
۲۷. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، *الانتصار فی انفرادات الإمامیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۲۸. صابری یزدی، علی رضا و محمد رضا انصاری محلاتی، *الحکم الزاهره*، مترجم انصاری، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۲۹. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، *الهدایة فی الأصول و الفروع*، قم: گروه پژوهش مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۸.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۲. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، تهران: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۵.
۳۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الجمل و العقود فی العبادات*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۳۴. -----، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۳۵. -----، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰.
۳۷. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، *العین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱.
۳۸. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۱.
۳۹. کلینی، یعقوب، *الکافی*، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران: اسلامی، مکرر.
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
۴۲. -----، *به سوی خود سازی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۴۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم، ۱۴۳۰.
۴۴. مطهری، مرتضی، *آزادی معنوی*، تهران: صدرا، ۱۳۸۴.

۴۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *المقنعه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۴۷. منسوب به امام جعفر صادق (علیه السلام)، *مصباح الشریعه*، مترجم: عبد الرزاق گیلانی، تهران: انتشارات پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۴۸. موسوی خمینی، روح الله، *البیع*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
۴۹. نصیریان، یدالله، *علوم بلاغت و اعجاز قرآن*، تهران: سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۰.
۵۰. الوکیلی، محمد، *فقه الاولویات، دراسة فی الضوابط، المعهد العالمی للفکر الاسلامی*، ۱۴۱۶.
۵۱. هواری، هود بن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز، الجزایر: دار البصائر*، چاپ اول، ۱۴۲۶.
۵۲. یزدی، محمد، *فقه القرآن*، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۵۳. یوسف موسی، حسین و عبدالفتاح الصعیدی، *الافصاح فی فقه اللغة*، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۰.

